



میثاق مشترک از نظر تا عمل

آن زمان، از جمعی دوستان دانشگاه یزد و دانشگاه امام جواد (ع) دعوت به عمل آمد و برنامه‌ای استراتژیک با روش‌های متعارف تدوین شد؛ اما این برنامه‌ها، به دلایل متعدد، به مرحله اجرا نرسید و عملاً رها شد. لذا در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ برای عملی شدن برنامه، از افرادی متعلق به بدنه آموزش و پرورش، دنیا دیده، آشنا به برنامه‌ریزی و آن‌ها که درک خوبی از مشکلات آموزش و پرورش فعلی داشتند، دعوت کردیم. در این مسیر، آقایان گلدان ساز، دکتر امانی تهرانی و دکتر حاج میرزایی محور این جریان قرار گرفتند. این تدبیر و برنامه‌ریزی حدود یک و نیم سال به طول انجامید. از همان مرحله اول، برخی از دوستان داخل مجموعه و استان را هم دعوت کردیم تا در تدوین برنامه نقش داشته باشند.

و تصمیم گرفتیم برنامه میثاق مشترک را در عمل اجرا کنیم. از این رو، در حال حاضر این برنامه را مرتب پیگیری و رصد می‌کنیم. در این دو سال تلاش کردیم معلمان، خانواده‌ها و دانش‌آموزان با میثاق مشترک آشنا و توجیه شوند. اقداماتی را هم برای عملیاتی ساختن آن انجام داده‌ایم. حکاک‌زاده: به زعم من میثاق

میثاق مشترک سخن گفته‌اید. اما با توجه به اینکه پیش از این چندین بار اقدام به نوشتن برنامه و سند استراتژیک شده بود، بفرمایید چه ضرورتی باعث شد نگارش سندی دیگر در دستور کار قرار گیرد؟

سفید: کشور در سال‌های بعد از انقلاب درگیر جنگ و مسائل سازندگی پس از آن شد و از آموزش و پرورش و تحولات دنیا در این زمینه غافل ماند. بعد از چندین سال، بالاخره متوجه این غفلت شد و سند تحول بنیادین را تدوین کرد. مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش شکل گرفت. مجلس به این امور توجه کرد و سندهایی تهیه شد؛ اما با اینکه از عمر سند تحول بیش از یک دهه می‌گذرد، هنوز این سند به صورت اجرایی در نیامده و کاری از پیش نبرده است که این موضوع هم دلایلی دارد.

میثاق مشترک پاسخی به تقاضا و مطالبه جمعی از سوی خانواده‌ها، معلمان و دانش‌آموزان بود؛ رویکردهای سنتی پاسخ‌گوی استعدادها، زندگی آینده و کارهای مشارکتی نبودند.

ما نیز برای رفع این فاصله، پس از بازدیدهای متعدد از مدرسه‌های داخل و خارج از کشور، دعوت از صاحب‌نظران و مطالعه کتاب‌ها و تجربه‌های متعدد، به این جمع بندی رسیدیم که ناگزیر از ایجاد تغییر هستیم و برای این تغییرات به یک برنامه راه نیاز داریم.

بر همین اساس، تصمیم گرفتیم برنامه خود را تدوین کنیم. در

در زمانی که زمره‌های تغییر و تحول در مجتمع جواد الائمه (ع) پس از سی سال به گوش می‌رسید، نشریه مدرسه ما در شماره هفدهم با مطلب «کندوکاوی در چشم‌انداز آینده» و در شماره هجدهم با مطلب «ما مصمم به تغییر روش‌ها هستیم»، کوشید مسیر جدید پیش رو را برای مخاطبان‌ش تبیین کند.

اکنون نیز با گذشت دو سال از نوشته شدن «میثاق مشترک» و اجرای آن در مدرسه‌ها بنا دارد با رویکرد تبیینی به موضوعات و مسائل مطرح شده پیرامون آن بپردازد. در این شماره، با مدیرعامل مجتمع، آقای غلامعلی سفید، قائم مقام مدیرعامل، آقای محمدرضا حکاک‌زاده و مشاور مدیرعامل، آقای علیرضا مصباح‌فر، به گفت‌وگو نشسته است و موضوعاتی چون چگونگی شکل‌گیری میثاق، اقدامات انجام شده، چالش‌ها، راه‌های برون‌رفت و نیز برخی پرسش‌ها را که برابند دیدگاه‌های خانواده‌ها و همکاران آموزشی است، مورد توجه قرار داده است. در ادامه حاصل و خلاصه این گفت‌وگوها را می‌خوانید.

در شماره هفدهم نشریه، به تفصیل از چرایی تغییرات و تصمیم‌گیری برای تدوین

همین روند سبب شد میثاقی شکل بگیرد که فقط در متن و نظر نباشد؛ بلکه بارها چکش کاری شود، دیدگاه‌های متعدد درباره آن بررسی شود، در میدان واقعی مدرسه به آزمون گذاشته شود و میزان کارآمدی آن سنجیده شود.

مشترک پاسخی به تقاضا و مطالبه جمعی از سوی خانواده‌ها، معلم‌ها و دانش‌آموزان بود؛ رویکردهای سنتی پاسخ‌گویی استعدادها، زندگی آینده و کارهای مشارکتی نبودند. برنامه‌ها و سیاست‌های آموزش و پرورش کشورهای گوناگون بررسی شد، کتاب‌های متعدد نقد و بررسی شدند و از نویسندگان برای تبادل نظر و بحث و گفت‌وگو دعوت به عمل آمد. مجموعه این فعالیت‌ها به شفاف‌تر شدن چالش‌ها و گره‌های موجود کمک کرد. اعضا هم با سوابق ذهنی و با رویکرد جدید و کارآمدتر این برنامه‌ها را تدوین و ارائه کردند. همین روند سبب شد میثاقی شکل بگیرد که فقط در متن و نظر نباشد؛ بلکه بارها چکش کاری شود، دیدگاه‌های متعدد درباره آن بررسی شود، در میدان واقعی مدرسه به آزمون گذاشته شود و میزان کارآمدی آن سنجیده شود. در نهایت، حاصل این فرایند، برنامه‌ای مکتوب بود که هم پشتوانه نظری داشته باشد و هم در عمل پاسخ‌گو باشد؛ به قول دکتر آرنای، «نظریه‌ای که از میدان عمل بجوشد و بالا بیاید».

در میثاق مشترک آمده است برای تدوین این میثاق، نگاه به اسناد بالادستی از جمله سند تحول بنیادین محور بوده است؛ اما برخی در مجموعه معتقدند با وجود سند تحول، نیازی به نوشتن میثاق مشترک نبود.

سفید: اولاً، سند تحول ایرادهایی داشت، از جمله اینکه باید ابتدا در چند مدرسه اجرا می‌شد تا الگویی برای بقیه مدرسه‌ها شوند، ولی فقط یک نوشته بود. ثانیاً، اگر ما یک مجموعه هستیم و در حال تصمیم‌گیری، باید برنامه‌ریزی مختص به خود را داشته باشیم و با توجه به اجرا، هر چند سال یک بار، آن برنامه بازبینی، اصلاح و تکمیل شود تا بدانیم کجا هستیم، کجایمی خواهیم برویم و چگونه باید برویم. میثاق مشترک می‌خواهد این موارد را محقق کند، بنابراین لازم بود نوشته شود.

مصباح‌فر: جنس سند تحول و میثاق مشترک متفاوت است. سند تحول سندی بالادستی و انتزاعی است که مفاهیم عمومی تربیتی در آن مطرح شده است. بزرگ‌ترین مشکلش این است که آرمانی نوشته شده و آموزش و پرورش را روی ریلی قرار داده است که یک خط ریلش انتظارات حداکثری و یک خط ریل امکانات حداقلی است؛ اما این ریل آموزش و پرورش را به مقصد نمی‌رساند.

بدین ترتیب آموزش و پرورش یا روی این ریل قرار نمی‌گیرد یا به قهقرا می‌رود. چنین سندهایی هم معمولاً در اتاق‌های اداری می‌ماند و بیشتر اوقات اجرا نمی‌شود. ممکن است این نوع سندها به گزارش‌های اداری هم ختم شود؛ اما میثاق مشترک برنامه‌ای راهبردی است که بر اساس مدل سوات^۱ یعنی با تمرکز بر نقاط قوت، ضعف، تهدیدها، فرصت‌ها و چالش‌ها نوشته شده است. در سند تحول مصداق‌های عینی را نمی‌بینیم. بیشتر روی مفاهیم کار شده است؛ ولی میثاق مشترک تا سطح نتیجه‌های کلیدی و اقدامات اجرایی پیش می‌رود.

برای اجرایی شدن میثاق و اینکه به قول خودتان از یک نوشته و نظریه به عمل برسد، چه مسیری را در نظر گرفته‌اید؟

مصباح‌فر: لازمه اجرایی شدن میثاق دو چیز است؛ یکی اینکه همه به فهمی مشترک برسیم. دیگر آنکه همه عهد ببندیم این میثاق را اجرا کنیم. همه یعنی خانواده، معلم و تمام ذی‌نفعان قرار است مسئولیتی را به صورت مشترک اجرا کنند. این موضوع باعث می‌شود تراز شناختی ما نسبت به مفاهیم یکسان شود.

یکی از نقاط بارز این است که مدل عملیاتی میثاق مشترک مبتنی بر اهداف و تحقق نتایج عینی کلیدی^۲ است؛ یعنی واضح هستند که ما به چه چیزی می‌خواهیم دست یابیم و برای آن نتایج کلیدی مشخص می‌کنیم به عنوان مثال اگر هدف ما افزایش مشارکت دانش‌آموزان است نتایج کلیدی این‌گونه بیان می‌شود تشکیل انجمن‌های دانش‌آموزی در حوزه‌های مختلف (حداقل در هر مدرسه سه انجمن دانش‌آموزی در ساحت‌های مختلف) که قابل سنجش است. یا وقتی هدف ما آشنایی والدین با میثاق مشترک است، اقدامات مرتبط با آن، مانند برگزاری جلسات آموزش خانواده، تعریف و اجرا می‌شود. سپس در همین چارچوب می‌توان میزان تحقق هدف را سنجید؛ به‌گونه‌ای که مشخص شود چند درصد از والدین با مفاهیم سند آشنا شده‌اند یا آیا معلمان با همه کلیدواژه‌ها آشنایی یافته‌اند و از طریق روش‌های آموزشی میثاق، به سطح شایستگی مورد انتظار رسیده‌اند یا خیر.

یعنی نوعی ضمانت اجرایی به واسطه هدف‌هایی مشخص و ارزیابی‌های مداوم.

مصباح‌فر: بله، این سند، انتزاعی نیست که هدف‌هایی در آن گفته شود و مشخص نباشد چه زمانی تحقق پیدا کرده است.

سفید: برای آنچه می‌خواهیم اجرا شود و خوب هم اجرا شود، عوامل متعددی باید دست به دست هم دهند؛ یکی از عوامل فراهم آوردن امکانات لازم است. در بعضی از کشورها هر مدرسه استخر، زمین ورزشی مناسب، آزمایشگاه و کارگاه‌های هنر مجهز دارد؛ ولی چون در کشور ما قرار بوده است آموزش الفبا، ریاضی و فارسی محور باشد، نمی‌خواستیم انسانی چند جانبه تربیت کنیم، این امکانات را از اول برای مدرسه‌ها فراهم نکردیم. ما برای اجرایی شدن میثاق باید این امکانات را ایجاد کنیم. مدرسه‌های مجموعه ما شاید نسبت به بقیه بهتر باشد؛ اما با آنچه باید باشیم، خیلی فاصله داریم.

عامل دیگر نیروی انسانی توانمندی است که بتواند در راستای میثاق و تحقق ساحت‌ها کار کند. این

اگر ما یک مجموعه هستیم و در حال تصمیم‌گیری، باید برنامه‌ریزی مختص به خود را داشته باشیم و با توجه به اجرا، هر چند سال یک بار، آن برنامه بازبینی، اصلاح و تکمیل شود تا بدانیم کجا هستیم، کجا می‌خواهیم برویم و چگونه باید برویم.

لازمه اجرایی شدن میثاق دو چیز است؛ یکی اینکه همه به فهمی مشترک برسیم. دیگر آنکه همه عهد ببندیم این میثاق را اجرا کنیم.

1. swot

2. Objective key result) OKR(





افراد داخلی مجتمع و برخی هم از دانشگاه امام جواد (ع) هستند. گزارش دهندگان و ناظران ارتباط اداری با یکدیگر ندارند. این گروه به مدرسه‌ها می‌رود تا ببیند این گزارش‌ها تا چه اندازه اجرا می‌شود و چه اتفاقی می‌افتد. این گزارش‌ها تضمین اجرای سند است و تضمین سلامت این گزارش‌ها هم در دست گروه نظارت است. در جلسات و بازدیدهای هفتگی، ما بررسی می‌کنیم که این گزارش‌ها واقعاً مطابق با واقعیت است یا نه.

هر تغییری که می‌خواهد رخ دهد، باید چند مؤلفه با هم تغییر کند؛ یکی در آگاهی و یکی در نگرش. وقتی نظام باورها تغییر کند، تغییری عمیق رخ می‌دهد. برخی با نظام باور قدیم قسمت‌هایی از رویکردهای جدید را گرفته‌اند؛ ولی باور قدیمی‌شان هنوز به هم نریخته است. بنابراین تغییر باورها به نظام تربیتی که مدرسه هم بخشی از آن است، شاید بزرگ‌ترین چالش باشد.

این سازوکار چگونه فضای امنی ایجاد می‌کند تا مدرسه‌ها بتوانند بدون نگرانی، پیامدهای اداری، واقعیت‌ها و حتی کاستی‌ها را گزارش دهند؟

حکاک زاده: با بازدیدهایی که صورت می‌گیرد، در واقع، در میدان عمل هستیم. مدرسه‌ها به صورت مشارکتی تصویر و فیلم ارائه می‌دهند. این تعامل، گفتمانی و چالشی است. تک‌گویی (مونولوگ) نیست که آن‌ها بگویند و ما گوش دهیم یا برعکس. به این ترتیب گزارش‌ها در یک جو مؤثر، کارآمد و مشارکتی ارائه می‌شود. فکر می‌کنم با این شیوه تعامل که بستر آن فراهم شده است، مشکل بزرگ‌کردن وجود ندارد و کمتر دیده می‌شود که مدرسه‌ها بخواهند بزرگ‌نمایی کنند و گزارش‌هایشان واقعی نباشد.

مصباح فر: یکی از وظایف کارگروه ارزیابی

با معلمان داوطلب شروع شد و امسال به صورت گسترده‌تر ادامه دارد. امسال نیز گروهی از معلمان ارزشیابی توصیفی را در دست بررسی دارند تا بتوانند در ابتدایی اجرا کنند. هم‌اندیشی‌های آموزشی هفتگی را نیز برای معلمان ابتدایی در نظر گرفته‌ایم.

همچنین امسال به طور مشخص به توجیه میثاق مشترک برای خانواده‌ها پرداخته‌ایم که تقریباً بیشتر آن‌ها در جلسات توجیهی شرکت کردند.

مصباح فر: برای توانمندسازی معلمان علاوه بر دوره‌های تخصصی، دوره‌های متنوع عمومی نیز در نظر گرفته شده است. هر معلم ضمن ارتقای حرفه‌ای، برای توسعه فردی خود دوره‌های عمومی را نیز انتخاب و در آن، شرکت می‌کند؛ به‌طور مثال دوره‌های توسعه فردی، بازدیدها، شرکت در کارگاه‌های آموزشی، شرکت در جلسات نقد فیلم، خوانش کتاب، شرکت فعال در جلسه‌های گفت‌وگو که در آن‌ها، معلمان درباره طراحي آموزشی، ساحت‌های متعدد تعلیم و تربیت یا انجام پژوهشی روایی از درس‌هایشان، به شیوه پژوهشی و خودسنجی، سخن می‌گویند، همه جزو ضمن خدمت آن‌ها محسوب می‌شود.

سفید: علاوه بر آنچه اشاره شد، از همه معلم‌ها و کارکنان ارزیابی سالیانه‌ای انجام شده است. بیشترین امتیاز یعنی یک و نیم برابر موارد دیگر را به کسانی داده‌ایم که در راستای میثاق مشترک فعالیت‌هایی انجام داده بودند، تا به معلمان مشتاق و پرجار که در این زمینه‌ها ساعت‌های بیشتری را صرف می‌کنند، توجه بیشتری داشته باشیم.

گزارش‌ها و نحوه ارزیابی و صحت‌سنجی
با توجه به اقداماتی که برای عملیاتی ساختن میثاق در مدرسه‌ها انجام داده‌اید، آن‌ها گزارش‌هایی را به شما ارائه می‌دهند. چه سازوکاری برای اطلاع یافتن از عملکرد مدرسه‌ها دارید تا گزارش‌ها بازتاب واقعی عملکرد آن‌ها باشد؟

سفید: گروهی را انتخاب کردیم به نام گروه «نظارت بر اجرای سند». این گروه شامل

نیرو باید مرتب آموزش ببیند، بنویسد، بگوید، بازدید برود، مشاهده کند، خودش را نسبت به آنچه در دنیا انجام می‌شود بسنجد و مطلع باشد. این هم بخشی است که باید انجام شود تا میثاق مشترک تحقق یابد.

در سطحی دیگر بازرسی و نظارت متناسب با بهسازی مبتنی بر داده‌هاست. ما این‌ها را نداریم. آنچه انجام می‌دهیم گوشه‌ای از کار است. نه کارمان کامل است، نه ارزیابی مان؛ ولی در این مسیر قدم برداشته‌ایم؛ یعنی قدم اول را برداشتیم که باید ادامه دهیم. مردم هم کمک کنند.

عامل دیگر نیروی انسانی توانمندی است که بتواند در راستای میثاق و تحقق ساحت‌ها کار کند. این نیرو باید مرتب آموزش ببیند، بنویسد، بگوید، بازدید برود، مشاهده کند، خودش را نسبت به آنچه در دنیا انجام می‌شود بسنجد و مطلع باشد.

یعنی استلزامات و اقتضات لازم را نداشتید؛ اما شروع کردید؟

سفید: بله، که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها. کاری که شروع کردیم، راحت نیست. کار یک روز، دو روز و یک سال و دو سال نیست. مدت‌ها طول می‌کشد. باید خون دل‌ها بخوریم تا بتوانیم در این مسیر حرکت کنیم. منتظر راهنمایی و همکاری یکران نیز هستیم.

برای پرکردن این جاهای خالی شما چه اقداماتی در پیش گرفته‌اید؟

سفید: اقدامات ما همه جانبه و گسترده بوده و شامل همه ابعاد است. در بخش کمبود فضا، ابتدا شروع کردیم به ساخت وساز؛ اما بعد تصمیم گرفتیم توسعه را کیفی کنیم. بنابراین دو سال قبل با اراده خود تعداد دانش‌آموزان را کم کردیم تا بخشی از فضای آموزش را به جای کلاس به کارگاه هنر، آزمایشگاه و... تبدیل کنیم.

در سال گذشته، معلمان و کارکنان آموزش را با حضور سخنرانان بیرونی، مثل آقای دکتر امانی، توجیه کردیم. خوشبختانه بیشتر آن‌ها همراه و همکار بوده‌اند. البته برخی هم هستند که چون چند دهه با روش‌های سنتی‌تر کار کرده‌اند، تغییر روش برایشان سخت‌تر است؛ ولی با اقداماتی که انجام دادیم، توانستیم آن‌ها را هم بیش از پیش همراه کنیم. در همین راستا از سال گذشته برای اجرای میثاق با همراهی معلمان

که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها. کاری که شروع کردیم، راحت نیست. کار یک روز، دو روز و یک سال و دو سال نیست. مدت‌ها طول می‌کشد. باید خون دل‌ها بخوریم تا بتوانیم در این مسیر حرکت کنیم.

طرح‌هایی اجرا شد؛ مثل طرح «لذت خواندن» یا طرح «نشست کلاسی» که

و نظارت که مهندس سفید به آن اشاره کردند، این است که کاربرد هایی را طراحی کنند و در اختیار مدرسه ها قرار بدهد که آن ها بدانند چگونه باید گزارش ارائه کنند. این گزارش ها بعد از آنکه از مدرسه ها گرفته شد، راستی آزمایی می شود و همه موارد مورد بررسی قرار می گیرد. بسیاری از داده ها و اطلاعاتی که ارائه می شود، امکان تبدیل به عدد دارند.

چالش ها و مقاومت ها

با توجه به دو سالی که از اجرایی شدن میثاق گذشته است و اقداماتی که برای آن انجام داده اید، بزرگ ترین چالش را برای اجرایی کردن میثاق چه می دانید؟

سفید: هر تغییری که می خواهد رخ دهد، باید چند مؤلفه با هم تغییر کند؛ یکی در آگاهی و یکی در نگرش. وقتی نظام باورها تغییر کند، تغییری عمیق رخ می دهد. برخی با نظام باور قدیم قسمت هایی از رویکردهای جدید را گرفته اند؛ ولی باور قدیمی شان هنوز به هم نریخته است. بنابراین تغییر باورها به نظام تربیتی که مدرسه هم بخشی از آن است، شاید بزرگ ترین چالش باشد.

حکاک: چالش اصلی در روش های

بحثی هم در جامعه و خانواده ایجاد شد که اگر ما به تربیت همه جانبه، معنویات، هنر و سلامت بپردازیم، ممکن است به درس بچه ها لطمه بخورد. بعضی از افراد هم به این موضوع دامن زدند و مقاومت در برخی خانواده ها بیشتر شد؛ اما در یکی دو سال گذشته قبولی های ما کم نشد و دانش آموزان از درس عقب نیفتادند.

اثر بخش خواهد بود که از نقش قبلی او برتر و بالاتر است. برای این منظور باید با معلم هایمان به گفتگو بنشینیم و در مورد این واژه ها به فهمی مشترک برسیم، مقاومت ها شکسته خواهد شد و کاری خواهد شد کارستان.

یعنی باور و دیدگاه معلم در عملیاتی شدن مفاد میثاق نقش کلیدی دارد.

سفید: بحث دیگر هم این بود که ما طرح های جدید را به معلمان دادیم، اما هیچ کدام از کارهای قبلی معلم و مدرسه را کم نکردیم. معلم در حال حاضر هم کارهای سنتی تدریس را انجام می دهد و هم این طرح ها را. به طور مثال وقتی می گوئیم یادگیری باید مبتنی بر پروژه باشد؛ یعنی نقش معلم در کلاس کاهش و نقش دانش آموز افزایش یابد. از طرفی هم چون برخی از خانواده ها هنوز نقش سنتی معلم را مطالبه می کنند و دنبال سؤال و نمره هستند، در این روند حجم درگیری ذهنی معلم خیلی بالا می رود و به جای اینکه نقش تسهیلگری و طراح آموزشی را ایفا کند، درگیر فعالیت های سنتی تدریس مثل جزوه دادن می شود.

بحثی هم در جامعه و خانواده ایجاد شد که اگر ما به تربیت همه جانبه، معنویات، هنر و سلامت بپردازیم، ممکن است به درس بچه ها لطمه بخورد. بعضی از افراد هم به این موضوع دامن زدند و مقاومت در برخی خانواده ها بیشتر شد؛ اما در یکی دو سال گذشته قبولی های ما کم نشد و دانش آموزان از درس عقب نیفتادند. آن ها با روحیه ای بانشاط تر برای فعالیت های اجتماعی، فرهنگی و آموزشی تربیت شده اند. به نظرم این موانع به زودی فروکش می کند و می بینید که بچه ها در ابعاد گوناگون تربیت شده اند و برای درس هم آماده تر هستند.

مصباح فر: ما اندازه گیری نکرده ایم که بدانیم مقاومت بیشتر از سوی کدام بخش بوده است، ولی مشاهدات بالینی نشان می دهد خانواده هایی که احساس کرده اند با اجرایی شدن میثاق سهم علمی و آموزشی صفر می شود و جوادالائمه دیگر کاری به آموزش ندارد، بیشترین مقاومت را دارند.

در همین راستا برخی از خانواده ها با نگاه به عقبه آموزشی جوادالائمه (ع) این مدرسه را انتخاب و حساب می کنند که قبلاً سی ساعت آموزشی و تمرکز بر

ساحت علمی بوده است، حالا به او می گوئید این همه کار جدید قرار است انجام شود؛ ولی از بُعد آموزش کم نخواهد شد. سؤال آن ها این است که چگونه این اتفاق می افتد. پاسخستان به آن ها چیست؟

مصباح فر: اتفاقاً اولین هدف کلان عملیاتی به ساحت علمی و آموزشی پاسخ می دهد و بقیه هدف ها در راستای هدف اولیه که ارتقای کیفیت آموزش عمومی است، امتداد می یابد. با تغییر روش های تدریس این موضوع تحقق می یابد؛ یعنی در ساحت علمی و آموزشی، وقتی ما از روش های تدریس سنتی، مثل سخنرانی، فاصله می گیریم و به سمت روش هایی چون پروژه محوری یا آموزش تلفیقی می رویم، این گونه هم ساحت علمی و آموزشی محقق می شود و هم ساحت های تربیتی را پوشش می دهیم. در آموزش تلفیقی، ساحت علمی، هنری، اعتقادی و... هم زمان با هم محقق می شود. در پژوهش ها هم ثابت شده است که یادگیری تلفیقی مؤثرتر از روش های سخنرانی و آموزش سنتی است.

بنابراین ذیل هدف اولیه کسب شایستگی های پایه که خواندن، نوشتن، صحبت کردن، گوش دادن، دیدن، ارائه دادن و حساب کردن است، به شایستگی های دیگر هم پرداخته می شود.

مصباح فر: بله، مثلاً ما خوب صحبت کردن را به دانش آموزان می آموزیم تا در اجتماع به کار ببندند، خواندن را به گونه ای آموزش می دهیم تا از خواندن متن لذت ببرند که همان جنبه زیباشناختی است. کسب مهارت های اجتماعی مسئولیت پذیری، قانون پذیری و... هم شایستگی های مرحله دوم است. اگر ما به این دو نتیجه کلیدی دست یابیم، تعلیم و تربیت تمام ساحتی اتفاق افتاده است. با معلم توانمند و اثر بخش امکان تحقق این هدف ها بیشتر می شود. □

می توانید نظرات و پرسش های خود را با دفتر نشریه مدرسه ما در میان بگذارید تا در شماره های آتی به آن بپردازیم.

اتفاقاً اولین هدف کلان عملیاتی به ساحت علمی و آموزشی پاسخ می دهد و بقیه هدف ها در راستای هدف اولیه که ارتقای کیفیت آموزش عمومی است، امتداد می یابد. با تغییر روش های تدریس این موضوع تحقق می یابد؛

